

دکتر یداله فرید<sup>۱</sup>

لزوم نگاه ویژه بر گردشگری و صنعت توریسم در شهرستان‌های ارسباران و  
ضرورت هم‌سویی برنامه‌های آموزشی جغرافیا با مبانی جغرافیای  
گردشگری

**The Necessity of Special look at Tourism Industry in  
Arasbaran Cities and the Imperativeness of  
Accordance between Geography Educational  
Programs and Fundamentals of Tourism Geography**

*Dr. Yadollah Farid*

**Abstract:**

Only geographic education is spatially affected by geographic environment in the process of social science planning. On this basis, there should be an emphasis on environmental requirements in fidding with educational and

---

۱ - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی (واحد اهر)

research policies of undergraduate and postgraduate levels. The educational and research programs in geography should be accustomed in such a way that students studying geography can remain in their own places instead of migrating to other locations and to become functional and positive to the environments of their own cities and thereby, to share there the growth and development process. In East Azerbaijan Province, and particularly in Arasbaran Township which is reinstated in the middle, the production is based on agriculture and animal husbandry. Under these conditions, the geography education programs should be planned in a way that graduated students of geography turn into creative and incentive. However, the text programs in this area (having very attractive natural features is regarded as one of the tourism centers in Iran), is derived from the educational programs of other cities of Iran which have to accordance or harmony with geographic characteristics of the area and cannot fulfill the requirements of the Arasbaran township. As a result, graduated geography students having geographic knowledge not relevant to their own township specifications and requirements, have to migrate and as a result, cannot contribute in socioeconomic development of their area.

In order to solve this problem, it is recommended that there is a need to divert the geography programs toward tourism grography while maintaining the structures and foundations of curtent educational agenda. Hence, the geography students get prepared for working market in the (Province. The range of materials to be published in Geographic Space Journal gradually will be compiled on the basis of this purpose, and at the beginning, we have defined the words such as tourist and tourism and we will show the trend of movement at the base of tourism geography.

### پیش‌گفتار

در برنامه‌ریزی‌های دانش‌های اجتماعی، تنها برنامه‌های آموزشی جغرافیا است که از محیط متأثر می‌شوند، به سخنی روشن‌تر در استان‌هایی از کشورمان که حاکمیت از آن تولیدات کشاورزی و دامپروری است. اصولاً برنامه‌های جغرافیا به گونه‌ای باید تنظیم شوند که فرهیختگان دانشگاهی بعد از خاتمه‌ی تحصیل بتوانند در بازار کار ناحیه جذب شوند. به عنوان مثال، برای حل برخی معضلات کثرت جمعیت در استان تهران که شهرنشینی و فعالیت‌های صنعتی و خدماتی، جمعیت را به گونه‌ی انبوه روی هم انباشته است اگر برنامه‌های آموزشی جغرافیا به سوی مسایل شهری، صنعتی و خدماتی جهت داده شوند، دور از منطق و نظم فکری نخواهد بود. در دانشگاه‌های مادر شهرهای تاریخی کشورمان، نظیر اصفهان، شیراز و مشهد که با داشتن آثار احترام انگیز مذهبی و تاریخی هویت جغرافیایی - تاریخی یافته‌اند، می‌توانند در تنظیم برنامه‌های جغرافیایی بر توسعه‌ی گردشگری شهری بها دهند و فرهیختگان دانشگاهی این شهرها، جهان گردان خارجی را از کنار دریاها به سوی شهرهای تاریخی بکشانند و خدمات لازم را به آنان عرضه کنند.

در استان آذربایجان شرقی عمدتاً تولید بر اهرام کشاورزی و دامپروری متکی است. و در تنظیم برنامه‌های آموزشی جغرافیا توجه لازم به این بخش ضرورت پیدا می‌کند. شهرستان‌های وسیع ارسباران با مواهب طبیعی کم نظیر که در شمال شرقی استان و در کنار رود ارس نشسته و بر استان سرسبز و توریستی اردبیل تکیه داده، از این قاعده مستثنی نیستند و به رغم داده‌های طبیعی و جغرافیایی بالقوه و توان‌های محیطی با ارزش<sup>۱</sup> شهرستان‌هایی هستند که ناشناخته و

۱ - داده‌های آماری که در زیر می‌آید به روشنی بیانگر قدرت جاذبه‌ی گردشگری شهرستان‌های ارسباران است:

شهرستان‌های ارسباران از کل مساحت آذربایجان شرقی به وسعت ۴۵۴۸۱ متر مربع، حدود ۱۲۱۹۷ متر مربع را به خود اختصاص داده است. ناحیه‌ای است با لنبسه کوهستانی و حداکثر بلندی آن در کوه‌های قره داغ قله کیامکی است که ۳۴۱۴ متر ارتفاع دارد و پست‌ترین محل آن در نزدیکی اصلاندوز ۱۴۲ متر

در انزوای جغرافیای مانده‌اند و حال آن‌که با آثار گران سنگ تاریخی، قلاع و بقاع معتبر و موهبت‌های با ارزش طبیعی اعم از جنگل‌های بکر، کوه‌ها، رودها و ... چشم اندازهای زیبای آن‌ها می‌توانند در آرامش جان و تن گردشگران و جهانگردان خارجی موثر باشند و در نتیجه در پویایی این نواحی فراموش شده‌ی استان موثر افتند. اضافه کنیم که فراگیری نوع معشیت رمه گردانی و کوچ نشینی که به مقتضای تغییر فصول جابه جایی و مهاجرت‌های فصلی عشایر را بین جلگه و کوهستان موجب می‌شود، ایجاب می‌کند که علاوه بر توجه خاص به مسایل مربوط به جغرافیای گردشگری و جهانگردی، در تنظیم برنامه‌های آموزشی جغرافیای دانشگاه‌ها به ویژه دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر جغرافیای کوچ نشینی نیز به گونه‌ای گسترده مطرح و به دانشجویان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد آموزش لازم داده شود که آنان را برای جذب در بازار کار ارسباران و استان اردبیل آماده کند و با آمایش و سامان دهی منطقی فضاهای گردشگری این شهرستان‌ها، صنعت توریسم در ارسباران رونق یابد و مهاجرت انسان‌ها مهار و ناحیه پویاتر شود. در جهت اعمال این هدف بخشی را در قلمرو «مبانی

از سطح دریا ارتفاع گرفته است (کلیدر: جاذبه‌های توریستی ارسباران ص ۷). ارسباران از مناطق پرباران کشور، است، در سال ۱۳۷۸ میزان بارندگی آن ۳۳۶۳ میلی‌متر در سال بوده و از این حیث مقام اول را در استان آذربایجان شرقی دارد. لازم به ذکر است که میزان بارندگی در مناطق جنگلی ارسباران از ۲۵۰ تا ۷۰۰ میلی‌متر است و به سبب همین موقعیت ارسباران اهر و کلیدر دارای ۶۷۷۴۰۰ هکتار مرتع و ۱۴۱۴۳۰ هکتار جنگل است، در حالی که کل وسعت جنگل‌های استان آذربایجان شرقی از ۱۴۴۰۷۵ هکتار فراتر نمی‌رود. در سال ۱۳۷۸ کل جمعیت ارسباران کمی کمتر از ۳۰۰۰۰۰ نفر بوده (شهرستان اهر ۱۹۸۰۲۸ و شهرستان کلیدر ۹۲۲۶۰ نفر جمعیت داشته است). این دو شهرستان در جمع ۱۰۷۷ آبادی را در بطن خود داشتند که بیش از  $\frac{1}{10}$  دقیقاً ۱۱۴ آبادی آن خالی از سکنه است و ارسباران با وجود داشتن امکانات وسیع برای جذب توریست و تثبیت جغرافیایی جمعیت خود در شهرستان، از لحاظ مهاجر فرستی اولین نقش را در استان بازی می‌کند که خود بحث جداگانه‌ای می‌طلبد. (آمارهای این بحث مأخوذ از آمار نامه استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۷۸ است).

جغرافیای گردشگری<sup>۱</sup> مطرح می‌کنیم امید آن که بتواند خلاء موجود را در برنامه‌های جغرافیا پر کند و به نیازهای آموزشی دانشجویان پاسخ گوید.

## مبانی جغرافیای گردشگری و صنعت توریسم

### مقدمه

در زبان انگلیسی کلمه‌ی تور (Tour) به معنای گشت و گذار و تورینگ (Touring) در زبان (Tourisme) در زبان فرانسه، معادل گردشگری و یا جهانگردی در زبان فارسی است و کسی که در جریان این مهاجرت آزاد قرار می‌گیرد، در هر دو زبان یاد شده به آن توریست (گردشگر) گفته می‌شود.<sup>۲</sup> اما شمول این کلمه به فردی است که حداقل به مدت ۲۴ ساعت و یا بیش از آن از اقامتگاه دائمی خود خارج شود و در فضای دیگر جغرافیایی سکنی گزیند. اضافه کنیم افرادی هم که جابه جایی و مسافرت آنان به برای شرکت در مجامع علمی، اداری، سیاسی، مذهبی و حتی ورزشی باشد، توریست یا گردشگر محسوب می‌شوند. این تعریف گرچه از سوی «اتحادیه‌ی بین المللی سازمان‌های رسمی جهانگردی»<sup>۳</sup> بیان و مورد قبول برخی از کشورها نظیر ترکیه، ایتالیا، ایرلند، آلمان، اتازونی، ژاپن و ... واقع شده است.<sup>۴</sup> دور از نقد و انتقاد نمانده است و به آن خواهیم پرداخت.

گردشگری و جهانگردی بی‌شک یکی از مسائل مهم زمان ما است و امواج این حرکت در حال گسترش و رو به تزاید است. تعداد جهانگردان بین المللی در سال ۱۹۹۸ بالغ بر ۶۳۵ میلیون نفر بوده و کشور جان سومی چین در سال ۱۹۹۵، ۲۳ میلیون نفر جهانگرد در خود

۱ - به منظور رعایت فرق گردشگری داخلی با جهانگردی، گردشگری را معادل توریسم داخلی و جهانگردی را با توریسم بین‌المللی برابر گرفته‌ایم.

2- Marc Boyer : Le torisme de l' an 2000. P.U.L. 1999. P13

لازم به یادآوری است که در مورد «گردشگر» و «گردشگری» تعاریف نه چندان همگون بیان شده که به آن خواهیم پرداخت.

3- L'union internationale des organismes officiels de tourisme (U. T. O. O. T)

4- Jean Ginier : Les tourisme etriangers en France. Ed. M.Th. Genin. Paris 1969. P27.

پذیرفته است. متأسفانه کشورمان با آن که از لحاظ جاذبه‌های توریستی مقام دهم را در بین کشورهای جهان دارد، از نظر پذیرش جهانگرد در ردیف هفتم و از نظر درآمد در ردیف هشتاد و نهم قرار دارد .... در سال ۱۳۷۶ با ورود ۷۶۴ هزار جهانگرد به ایران حدود ۳۶۰ میلیون دلار از طریق جذب توریست در آمد ارزی داشته‌ایم و طبق اظهار معاون سازمان جهانگردی ایران این رقم در سال ۱۳۷۸ به رقم ۶۰۰ میلیون دلار افزایش یافته است.<sup>۱</sup> حرکات گردشگری داخل کشورها بیش از تعداد جهانگردان بین‌المللی است و سهم گذاری جهانگردی بر اقتصاد جهانی چشم‌گیر بوده و ۱۴ درصد تولید ناخالص جهان و یا ۱۵ درصد کل فروش بخش خدمات را در بر می‌گیرد.<sup>۲</sup>

اهمیت و نتایج پدیده‌ی جهانگردی بین‌المللی و گردشگری در محدوده‌ی کشورها بیش از فعالیت‌های صنعتی و بازرگانی است، به گونه‌ای که جهانگردی و گردشگری در مقیاس جهانی به یکصد میلیون انسان زمینه‌ی فعالیت و اشتغال فراهم آورده است. در برابر گردشگری و جهانگردی مبتنی بر گذران اوقات فراغت و تعطیلات در کشورهای بیگانه، نباید از کنار توریسم ورزشی بی‌اعتنا گذشت چرا که انجام بازی‌ها و مسابقات ورزشی با حرکات مکانی جمعیت‌ها و تماشاچیان بازی‌های ورزشی هماهنگ بوده و بحث گسترده‌ای را در قلمرو مطالعات جغرافیای انسانی می‌گشاید، به ویژه زمانی که بازی‌های المپیک تمام قهرمانان جهان را برای رقابت بین‌المللی در فضای معین جغرافیایی جمع می‌آورد و منشأ تجلی احساسات ملی و نشانگر پویایی و جوهر حیات ملت‌ها می‌شود و توریسم ورزشی به اوج خود می‌رسد.

در جریان صنعت جهانگردی عمدتاً به قلمروهای جاذب جهانگردی توجه خاصی می‌شود، قلمروهایی که محل زندگی، تولیدات و نیروی فعال خود را در اختیار جهان گردان قرار می‌دهند. علی‌رغم رشد و جهانی شدن جهانگردی برخی از مؤلفان به سیما و نقش معماری جهانگردی هم اشاراتی دارند و جهانگردان اروپایی و امریکایی را نو استعمارگر و

۱ - روزنامه همشهری سه‌شنبه ۷ تیرماه ۱۳۷۹

2- A. Mesplier, P. Bloc-Duraffon : Le tourisme dans Le monde. 4em Edition. Bréal. Paris' 2000. P15.

آنان را در کاربرد استراتژی اشغال زمین به نفع جهان سرمایه‌داری مؤثر می‌دانند. نظیر آن چه با سرمایه امریکاییان در سواحل مکزیک می‌گذرد و از این دیدگاه باید جغرافیدان در بستر «جغرافیای استعمارزدایی»<sup>۱</sup> حرکت کند و چنگ اندازی کشورهای ثروتمند صنعتی را بر سواحل و نقاط جاذب کشورهای رو به توسعه اقتصادی بررسی کند و نتایج این قبیل برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری را بیازماید.

مطالعه در روند تکامل جهانگردی نشان می‌دهد که سال به سال بر تعداد جهانگردان اضافه می‌شود و ابعاد جابه‌جایی آنان گسترش می‌یابد و حتی بحران نفت که در سال ۱۹۷۳ کشورهای صنعتی را با آنان رو به رو کرد نتوانست مانع از توسعه جهانگردی گردد. با این همه نباید فراموش کرد که حوادث و جنگهای منطقه‌ای آهنگ حرکت جهانگردی را در کشورهای درگیر پیرامونی سست تر کرد و در اقتصاد این نواحی اثر منفی گذاشت. مانند جنگ تحمیلی عراق به ایران که در سی‌ام شهریور ۱۳۵۹ آغاز و به مدت هشت سال طول کشید، حمله عراق به کویت و جنگ خلیج فارس در فوریه ۱۹۹۱ که منجر به پس راندن عراقی‌ها از کویت شد، حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ ایالات متحده امریکا و سپس اشغال افغانستان و عراق در مارس ۲۰۰۳ از سوی ایالات متحده امریکا و متحدانش و بالاخره شیوع مرض سارس در جنوب شرقی آسیا به ویژه در چین و هنگ کنگ<sup>۲</sup> درستی آهنگ گردشگری کم تأثیر نبوده است ولی آن چه انکار نشدنی است، این است که توریسم در مقیاس جهانی نابرابر است چرا که جهانگردی و گذران اوقات فراغت با کاهش زمان کار نیروهای فعال جوامع و بالا رفتن میزان درآمد و سطح زندگی انسان‌ها هماهنگ است، با این همه نوآوری‌های فنی و پیشرفت فناوری‌ها، دموکراتیزه شدن حمل و نقل هوایی و تعدد بزرگراه‌ها و وسایل نقلیه انفرادی و

۱ - برای آگاهی وسیع در این زمینه نگاه کنید: هیلدبر ایزنار: جغرافیای استعمار زدایی، ترجمه‌ی دکتر محمود علوی، مشهد، نشر نیکا، سال ۱۳۷۲.

۲ - برای آگاهی وسیع از اثر گذاری جنگهای منطقه‌ای روی جهانگردی کشورها، حوادث کشورهای کشورمان ایران، عراق، افغانستان، کویت، ایالات متحده امریکا، چین و هنگ‌کنگ را از کتاب «گیتاشناسی نوین کشورها» از انتشارات مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی سال ۱۳۸۲ مطالعه کنید.

استفاده وسیع از انفورماتیک و بهینه مدیریت موسسات جهانگردی می‌تواند در تعمیم حرکت گردشگری و جهانگردی نقشی ایفا کند.<sup>۱</sup>

مساله جهانگردی و گردشگری مقوله‌ی چند بعدی و چند رشته‌ای است و نظامات علمی مختلف هر یک از زاویه معینی بر این مساله می‌نگرد. در این بحث مجال تحلیل گسترده‌ی نگرش‌های همه‌دانش‌ها درباره‌ی مسایل جهانگردی و گردشگری نیست ولی به منظور احتراز از ورود به قلمروهای فراتر از دانش جغرافیا، حوزه‌های علمی در آموزش جهانگردی را در شکل (۱) مورد دقت قرار می‌دهیم.<sup>۲</sup>



۱ - مورد بحث نیست که توسعه‌ی جهانگردی و جابه‌جایی انسان‌ها در فضاها، تغییرات اساسی را در بخش‌هایی از کره زمین که جاذبه‌های جهانگردی دارند، به وجود آورده است. این تغییرات حتی روی فضاها می‌که تاکنون به جلب جهانگرد توفیق نیافته‌اند، انجام می‌گیرد.

۲ - منبع شکل (۱) از جعفر جعفری است (۱۹۸۱) برگرفته از کتاب روش آموزش کیفی در صنعت جهانگردی، تألیف «ادوارد و فایوس - سولا» ترجمه دکتر نصراله مستوفی و مرتضی احمدی است. از انتشارات پژوهش‌های فرهنگی تهران سال ۱۳۷۹، ص ۱۹.





« ۲ - مردم شناسی: شرایط اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی که نیازهای انسان برای سفر را تعیین می‌کند، تأثیرات این شرایط رفتار دیدارگران و جمعیت میزبان و تعامل اجتماعی را تحلیل می‌کند.

« ۳ - جامعه شناسی: جهانگردی را به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی به صورت محور در حال رشد، ظهور جهانگردی انبوه، تغییر در مقاصد برتر و غیره بررسی می‌نماید. این رشته بر متغیرهایی، مانند ملیت، آموزش، سن، جنس و غیره تأکید دارد که برای تجزیه‌ی بازار جهانگردی ضروری است.

« ۴ - اقتصاد: از آنجا که اثر اقتصاد جهانگردی بیش از اثرات صرف بر جامعه مقصد در تراز پرداخت‌ها در سطح ملی می‌باشد، اقتصاد یک رشته اصلی در مطالعه صنعت جهانگردی است.

« ۵ - مدیریت تجارت: آشنایی با حسابداری، بازاریابی، تصمیم‌گیری، مهارت‌های فروش و غیره برای رقابت در صنعت یک امر اساسی برای رقابت است.

« ۶ - جغرافیا: تحلیلی از جهانگردی با دیدگاه فضایی، با در نظر گرفتن توزیع منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی بازار جهانگردی و نظایر آن ارائه می‌نماید.

« ۷ - حقوق: افزایش جهانی سازی اقتصاد و پیچیدگی بیشتر در روابط نیاز به آگاهی از قوانین مختلف در کشورهای گوناگون دارد و حفظ بیشتر مصرف کنندگان محصولات جهانگردی را می‌طلبد.

« ۸ - اکولوژی: بر توان بازتولید منابع، فرسودگی آن‌ها و استفاده از استعدادهای بالقوه جهان گردی تأکید می‌کند.

« ۹ - آمار: ابزاری برای حمایت از مطالعات و تحقیقات جهت توجه به موضوعات دیگر شامل اقتصاد، روانشناسی، جامعه شناسی و غیره می‌باشد.

« ۱۰ - تعلیم و تربیت: اهمیت این رشته به دلیل شناخت موارد زیر است: مسایل اصلی‌ای که باید در آموزش جهانگردی مورد بررسی قرار گیرند، طراحی مدرک تحصیلی خاص مورد نیاز، و انطباق دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی متناسب با محیط. »<sup>۱</sup>

به تعبیر « میشل ماریه » زمانی که جغرافیای جهانگردی هم خود را به مطالعه و تحلیل روابط موجود بین جهانگردان، بومیان، قلمروهای جغرافیایی و امواج ناشی از این ارتباطات معطوف می‌دارد، راه خود را از سایر کارشناسانی که از زاویه دیگر بر مساله می‌نگرند، جدا

می‌کند.<sup>۱</sup> اما فضایی که از آن بحث شد، در همه حال، فضای کاملاً طبیعی، بکر و دست نخورده نیست، فضایی است که با تولید اجتماعی شکل گرفته و با ترکیب و همسازی داده‌های طبیعی، اقتصادی - اجتماعی و سیاسی - فرهنگی ناظر بر فضا شخصیت جغرافیایی پیدا کرده است. لذا در مطالعه این روابط باید جامع‌نگر بود، و در محدوده‌ی تعریف جغرافیایی انسانی به عنوان « دانش مطالعه‌ی انسان تولید کننده و مصرف کننده »<sup>۲</sup> بر امر تولید، توزیع، مصرف و پراکندگی انسان‌ها در فضاها، توریستی با ژرفایی تمام نگرست و استراتژی لازمی را که روی فضای مادی محسوس به وسیله جامعه‌ی مسلط بر فضا باید تعقیب شود آموذ.

بی‌گمان با توسعه‌ی جهانگردی و گردشگری برخورد با فضا و زایش فعالیت‌های صنعتی سنتی و مدرن وابسته به توریسم بیشتر شده و جهانگردی دیداری جای خود را به جهانگردی مصرفی داده است و کانون‌های فرستنده و گیرنده‌ی جهانگردان سخت دستخوش تحول و دگرگونی قرار گرفته است و سرعت و فراوانی تغییرات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی - اکولوژیکی در پهنه‌ی فضاها، گردشگری و جلب سیاحی لزوم اندیشه و تفکر بسیار عمیقی را روی سیاست گذاری‌های جهانگردی سیستمی می‌طلبد.

خطای محض است اگر فرض شود تنها سواحل لاجوردی زیبای فرانسه (کت دازور) در کناره مدیترانه، آبشار نیاگارا<sup>۳</sup> در قاره آمریکا و سایر نقاط پر جاذبه جهان در جذب جهانگردان توفیق می‌یابند، بلکه روستاها، کوهستان‌ها، دریاها و حتی برخی از نواحی به اصطلاح ناپذیرا دور از نفوذ و توسعه فعالیت‌های جهانگردی نمی‌مانند و همین رشد و توسعه

1- Georg CAZES : Fondements pour une géographie du tourisme et des Loisirs. Ed. Rréal. Paris 1992. P8.

۲- این تعریف از پیر ژرژ جغرافیدان معتبر فرانسه است، برای آشنایی با تحلیل و تفسیر تعریف . کتاب «شناخت‌شناسی و مبانی جغرافیای انسانی» را بنگرید. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی (واحد اهر) سال ۱۳۷۹ ص ۱۳۹.

۳- برای آشنایی بیشتر با عظمت و زیبایی‌های آبشار نیاگارا، که یکی از عجایب و مناظر بزرگ طبیعت است. نگاه کنید به کتاب «دیار خوبان» نوشته زنده‌یاد استاد دکتر مهدی روشن‌ضمیر. انتشارات

فعالیت‌های جهانگردی و گردشگری در فضاها است که بحث آن را در قلمرو جغرافیایی جهانگردی توجیه می‌کند.<sup>۱</sup>

در جهان امروز توسعه‌ی سریع جهانگردی و گردشگری سه مسأله‌ی مهم پرسش انگیز را برای جغرافیدان مطرح می‌کند:

۱- امروزه نقش اقتصادی جهانگردی و یا گردشگری در چه سطح و عمقی است؟  
جهانگردی بین‌المللی که در جریان ده سال گذشته شصت درصد بر تعداد جهانگردان افزوده است، بخش‌های حساس و آسیب پذیر آن در برابر نوسانات اقتصادی و حوادث بین‌المللی چگونه مورد تفسیر و تحلیل قرار خواهد گرفت؟ حیات اقتصادی کدام کشورها به درآمدهای حاصل از جهانگردی وابسته است؟  
از همه مهم تر آیا جهانگردی می‌تواند در رشد و توسعه‌ی کشورهای کم‌رشد و فقیر جهان موثر می‌باشد؟

۲- پدیده‌ی جهانگردی چگونه در فضای ملی کشورها بازتاب می‌یابد؟ کشورهای بزرگ پذیرنده و فرستنده جهانگرد کدامند؟ روی سیاره زمین امواج و شبکه‌های جهانگردی بین‌المللی چگونه سازمان دهی می‌شود؟

۳- برخورد و نتیجه‌ی گسترش توریسم روی فضاها و قلمروهای جغرافیایی چگونه است؟ آیا ایجاد چشم انداز ویژه‌ی جهانگردی پدیده‌ای است انتخابی که به طور عمیق و اساسی محیط زیست انسانی و ساختار ناحیه را تغییر می‌دهد؟ آیا ممکن است پدیده‌ی قوی‌تر از توریسم را در ساخت فضا و تغییر چشم اندازهای جغرافیایی در نظر گرفت؟

آیا انقلاب جهانگردی بیش از انقلاب صنعتی بر زندگی انسان‌ها اثر خواهد گذاشت؟<sup>۲</sup>  
بدین سوالات در بحث‌هایی که در پیش رو داریم پاسخ لازم را خواهیم داد. حال برای این که

طلایه. تهران ۱۳۷۷ صص ۴۴۳-۴۷۱. آبشار نیاگارا (Les Chutes des niagara) ترجمه‌ای است از اثر Clement Huard که در قرن ۱۹ نوشته شده است.

من اصلی را نیآورده‌اید- J-1

2- A. Mesplier, P. Bloc-Duraffour : Le tourisme dans Le monde. Collection histoire et géographie économiques. Ed Bréal. Paris 2000, P15.

در بستر علمی حرکت کرد باید از « گردشگری » و « گردشگر » تعریف جامعی به دست داد و نظریات و تعاریف متفاوت کارشناسان، خبرگان و ... را در این مقوله سنجید.

### بحثی در تعریف گردشگری

تعریف گردشگری از این نظر ضروری است که میدان عمل و رویکرد چنین پدیده‌ی اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی از سایر دانش‌هایی که نگاه ویژه‌ای به جابه‌جایی انسان‌ها دارند، شناخته‌آید و در بستر « شناخت شناسی » به گونه‌ای انتقادی مورد بحث قرار گیرد. از قرن هیجده به این طرف تعاریف گونه‌گون درباب گردشگری ارائه شده و اشاره کوتاه به برخی از این تعاریف ضروری به نظر می‌رسد:

- در فرهنگ « ربر » گردشگری ( توریسم ) چنین تعریف شده است: اقدام به مسافرت در فضای غیر از سکونتگاه دائم و معهود انسان‌ها، مسافرتی که علاوه بر جنبه‌ی تفریحی و تفریحی به منظور سرگرمی و خود پروری انجام می‌گیرد.<sup>۱</sup>

- در فرهنگ لاروس، گردشگری اقدام به مسافرتی است که به لحاظ خشنودی و تفریح انجام می‌شود و گردشگری بین المللی به شناخت بهتر ملت‌ها امکان می‌دهد.<sup>۲</sup>

- گاهی گردشگری به «مهاجرت انسان‌های آزاد»<sup>۳</sup> تعبیر شده است و نظر از چنین تعریفی جدا کردن گردشگری از سایر مهاجرت‌های روزانه، فصلی و دائم بدون بازگشت ... بوده است.

- از نظر جی ماریوتی (G. Mariotti) پایه‌ی اولیه گردشگری متکی به نیاز و میل به جنبش و حرکت بوده و مسافرتی است که به منظور شناخت جهان انجام می‌گیرد و پدیده‌ای است که نمی‌توان در تمام تمدن‌ها به شروع آن تاریخی معین کرد.<sup>۴</sup>

1- Le Pobert : Dictionnaire alphabetique et analogique de la langue française. Tome cinquième. Paris 1981. P593.

2- Larousse : Dictionnaire encyclopedique Pour tous. Paris 1961, P1053

3- Marc Boyer : Le Tourisme de l'an 2000, P.U.L. 1999, P13.

4- G. Mariotti : Storia del turismo. 1958. P7 cité par Marc Boyer, P14.

تا قرن بیستم چندان توجهی به تعریف جامعی از گردشگری نشد، اما پس از بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹ دولتمردان جامعه غرب احساس کردند که گردشگری می‌تواند در تراز پرداخت‌ها نقشی ایفا کند. بر این اساس خبرگان جامعه‌ی ملل در سال ۱۹۳۷ بی‌آن که تعریف جامعی از گردشگری به دست دهند، فقط به تعریف گردشگر (Touriste) به این شرح اکتفا کردند. «هر شخصی که برای تفریح خود به مدت بیش از ۲۴ ساعت و کمتر از یکسال از سکونتگاه دائمی خود دور شود به او گردشگر گویند و کسانی که کمتر از ۲۴ ساعت برای تفریح از سکونتگاه خود خارج شوند به آنان «گردش کنندگان برون از خانه = Excursions» گویند با تاکید بر این که مهاجران، کسانی که برای کار به محلی می‌آیند، دانشجویان، مرزبانان، مسافران ترانزیتی بدون توقف در کشور عبوری، در این تعریف نمی‌گنجد.<sup>۱</sup>

جالب است بدانیم که اولین تعریف گردشگری را در سال ۱۹۴۸ اقتصاددان آلمانی بنام «هنزیکر W. Hunziker» به شرح زیر مطرح ساخته که در خود تامل است:

«مجموع مناسبات و پدیده‌های ناشی از سفر و اقامت در محل و مکان اشخاص معینی که برای مسافر بیگانه هستند و اقامت در آن محل تشکیل دهنده‌ی هیچ‌گونه تأسیسات وابسته به هیچ یک از فعالیت‌های پرسود نباشد به آن گردشگری (Tourisme) گویند.<sup>۲</sup>

این تعریف دور از ضعف و کاستی‌ها نمی‌باشد:

- اولاً افتراق مهاجرت قطعی با گردشگری در این تعریف روشن نشده است.

- ثانیاً نوع تأسیسات کاملاً مشخص نیست، می‌توان محل سکنا‌ی دومی را که برخی از اشخاص برای خود ایجاد می‌کنند، از آن سوا کرد؟

- ثالثاً در این تعریف حداقل فاصله و یا زمان جابه‌جایی مشخص نشده و مسأله «شخص بیگانه» در پرده‌ی ابهام مانده است.

- رابعاً افراد خبره و کارشناس در مسایل گردشگری نباید به توریسم بین ملت‌ها علاقه‌مند باشند؟ و می‌توان گردشگری در فضاهای نزدیک را نادیده گرفت؟

1- Marc Boyer. P16-17

2- ibidem. P19

این تعریف چالش‌های وسیعی را برانگیخته و سوالاتی را بدین سان مطرح ساخته است: جابه‌جایی برای انجام فرایض مذهبی و زیارتی و شرکت در کنگره‌ها و مسافرت برای انجام کارهای اداری و خدماتی و مسافرت‌های مطالعاتی و جابه‌جایی سربازان را برای رزمایش‌هایی که گاهی هم در فضاها و وسیع انجام می‌شود، می‌توان در بطن تعریف مورد بحث قرار داد؟

- از نظر ژرژکاز، جابه‌جایی انسانها تمیز دهنده‌ی واقعی انواع گردشگری‌ها است و طول زمان جابه‌جایی گونه‌های گردشگری را - که به طور وسیع نباید کننده‌ی لذات فردی بیش از اجتماعی، حتی فعالیت‌های شغلی است - مشخص می‌کند و منطقاً طول زمان جابه‌جایی است که تداوم و توالی گردشگری را تحدید، تقطیع و تنظیم می‌کند و آن را در گردشگری روزانه، با اقامت کوتاه مدت، فصلی و تعطیلاتی ... تا آستانه مهاجرت می‌کشاند.<sup>۱</sup>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





مارک بویه (Marc Boyer) جغرافیدان فرانسوی پس از شرکت در کنگره‌ی سانتیاگو به سال ۱۹۶۴، تا سال ۱۹۸۲ بر تعریفی که از گردشگری بدین مضمون کرده، وفادار مانده است: «مجموع پدیده‌های ناشی از سفر و اقامت فصلی اشخاص که در خارج از سکونتگاه دایمی آن‌ها انجام بگیرد و زمانی که این جابه‌جایی در بستر گذران اوقات فراغت رویکردی به ارضای نیازهای فرهنگی افراد در تمدن‌های صنعتی داشته باشد، عنوان توریسم به خود می‌گیرد»<sup>۱</sup>. دانشگاه کبک کانادا را بعد از بحث‌های طولانی و ملاحظه‌کاری و تردید، با دادن نقشی بر گردشگری تعریف «مارک بویه» را با اضافه کردن این جمله تکمیل می‌کند: «... تا جایی که این جابه‌جایی متوجه ارضای نیازهای موزون آبدان روح انسان‌ها در تماس با اشخاص و تمدن‌های دیگر خارج از جایگاه روزانه‌ای باشد که تمدن صنعتی بر او تحمیل کرده است».

«در مارس ۱۹۹۳ کمیسیون آمار ملل متحد، تعریف ارائه شده از جهانگردی توسط سازمان جهانی جهانگردی را پذیرفت. بر اساس این تعریف جهانگردی عبارت است از «مجموعه‌ی فعالیت‌های افرادی که به مکان‌هایی خارج از محل زندگی و کسار خود به قصد تفریح و استراحت و انجام امور دیگر مسافرت می‌کنند و بیش از یکسال متوالی در آن مکان نمی‌مانند».

این تعریف به بعد «تقاضا»ی جهانگردی توجه و تاکید دارد. تعاریف ارائه شده از جهانگردی معمولاً هر دو بعد «عرضه» و «تقاضای» جهانگردی را مد نظر قرار می‌دهند. تعاریفی که متوجه بعد «عرضه»ی جهانگردی هستند، به محصولات و خدمات ارائه شده به جهانگردان متمرکز می‌باشند، در حالی که تعریف‌های مربوط به بعد «تقاضا»ی جهانگردی بر رفتار جهانگردان و به آن چه آنان نیاز دارند و جستجو می‌کنند، تمرکز می‌کنند... به جهانگردی باید از دیده تعاملی بین عرضه و تقاضا نگریست، طراحی و توسعه‌ی یک محصول،

به منظور مرتفع ساختن یک نیاز. همین تعامل است که آثار اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی و دیگر آثار را تعریف می‌کند.<sup>۱</sup>

لازم به یادآوری است که از سی سال به این طرف هیچکدام از تعاریف طرح شده در این بحث نتوانسته به اجماع عام برسد و نباید تعجب داشت که چرا هر نهادی به مقتضای دیدگاه و تخصص خود گردشگری (توریسم) را می‌شناسد و می‌شناساند: برخی از مقامات رسمی دولتی خود بیش‌تر روی حداقل مدت مسافرت تأکید می‌کنند تا بتوانند آن را از سایر مهاجرت‌ها جدا سازند.

اقتصاددانان به پرداخت گردشگران و دریافت مؤسسات گردشگری توجه دارند و نقد خود را بر این اساس استوار می‌کنند. انستیتوی ملی مطالعات علمی و اقتصادی فرانسه (L'INSEE) در جهت سامان‌دهی بخش توریستی به فعالیت‌های خدماتی تأکید می‌کند.

جغرافیدانان و جامعه‌شناسان در توجیه و تفسیر خود بیش‌تر به جابه‌جایی‌های فصلی آزادانه‌ی گردشگر نگاه ویژه دارند. بنابراین هر نهادی از زاویه‌ای ویژه اقتصادی، چه بسا فرهنگی - اجتماعی گردشگری و به برخورد گردشگر روی چشم‌انداز یا منطقه‌ی پذیرا، به ویژه فضاها‌ی جاذب گردشگر توجه دارد بی‌آن‌که به کلیه تجهیزات که به این حرکت بزرگ در بخشی از فصول پویایی می‌دهد: نظیر راه، و سایل حمل و نقل و مکان‌گزینی هتل‌ها و ... در اختیار گردشگران قرار می‌گیرد، توجه کند.

پیش از آن که به منظور نتیجه‌گیری از بحث، آخرین و جدیدترین تعاریف و دیدگاه‌های جغرافیدانان معاصر را مطرح سازیم، یادآور می‌شویم با وجود اثبات سودمندی فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی حرکات گردشگری که در مقیاس‌های محلی و یا در بعد

۱ - راجرد اس ویل: مدیریت جهانگردی (مبانی، راهبردها و آثار) ترجمه دکتر سید محمد اعرابی و داود ایزدی. از انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران ۱۳۷۸ ص ۱۹.

جهانی انجام می‌گیرد. برخی از نویسندگان و فلاسفه نظر مساعدی به انجام چنین جابه‌جایی‌ها نداشته و آنرا سخت نکوهیده‌اند.<sup>۱</sup>

با توجه به این که نوشته حاضر در بستر «جغرافیای گردشگری» تنظیم شده، دیدگاه‌های دو جغرافیدان معتبر فرانسه را در قلمرو بحث می‌آوریم تا چارچوب و محدوده‌ی روشنی برای حرکت‌های بعدی ما باشد.

- از دیدگاه «پیر ژرژ» جغرافیدان اندیشمند فرانسه، گردشگری فعالیتی است وابسته به گذران اوقات فراغت و خواهان جابه‌جایی فصلی جمعیت‌ها، بویژه جمعیت‌های شهری به سوی نواحی دارنده مواهب طبیعی است که بتواند به خواسته‌ی گردشگران در راستای گذران

۱ - مارک بوریه در کتاب توریسم در سال ۲۰۰۰ به این نظریات اشاراتی دارد که به عنوان نمونه، برخی از آن‌ها را مطرح می‌کنیم:

- به باور بلز پاسکال Blaise Pascal: تمام بدبختی انسان ناشی از آن است که نمی‌تواند ثابت در مکانی باشد.
- برخی از فلاسفه یک‌جانشینی و عدم مسافرت را تمجید کرده و انسان گردشگر را بی‌اعتبار و حقیر شمرده و مورد تمسخر قرار داده و گردشگران را خانه به دوشان نالایق خوانده‌اند.
- از جامعه‌شناسان دوران معاصر هانری بوفور (H. Lefebvre) جذب انبوه گروه‌های انسانی را به مکان‌هایی نظیر روستا، چشم‌انداز و حتی موزه ویرانگر مکان‌های توریستی دانسته است و به باور وی گردشگری سودی ندارد، جز انجام ملاقاتی که می‌توانست در جای دیگری نیز انجام بگیرد و مهم نیست که این ملاقات کجا باشد.
- ادگار مورن (E. Morin) ارزش تعطیلات را در تعطیل کردن ارزش‌ها دانسته است.
- شارل بودلر (نویسنده فرانسه ۱۸۲۱-۱۸۶۷) در متنی پس از گردش در شهر لیسین بی‌درخت، هلند سبز و دریای بالتیک با آسمان آبی چنین نوشته است: «... مهم نیست که کجا است! به شرط آن که دور از جهان [مسکن] <sup>۲۸</sup> باشد» و سپس اضافه می‌کند: «زندگی چون بیمارستانی است که آنجا هر بیمار میل به تعویض تخت‌خواب خود دارد».

- ماخذ: Marc Boyer. Pp 21-26

۲۸- در فرهنگ‌ها کلمه Monde معادل مسکن نیز گفته شده است.

اوقات فراغت پاسخگو، و موجبی بر اشتغال فکر و اندیشه درباره‌ی تجهیزات کامل گردشگری باشد.

جغرافیای گردشگری از سوی برخی از مؤلفان نظیر «ژرژ شابو» با عنوان جغرافیای تفریحی و سرگرمی «Geographie de la Récréation» مطرح شده، که بایستی نواحی پذیرای متناسب با نوع گذران اوقات فراغت، به گردشگران عرضه کند: منطقه پلاژها، کوهستانهای مناسب به انجام ورزش‌های زمستانی، مراکز آب درمانی، شهر و مراکز بازی‌ها و ... از آن جمله است. به علاوه مطالعه در حرکات فصلی گردشگران در کشورهای صنعتی و جابه‌جایی شهریان به سوی سکونتگاه دوم‌شان در این بحث آورده می‌شود.

پژوهش در شرایط آب و هوایی نواحی، از آن جمله نواحی مداری و زیر مداری، توسعه‌ی حمل و نقل در فواصل دور، به ویژه حمل و نقل هوایی امکان داده که گردشگران جوامع صنعتی نواحی معتدل نیمکره شمالی، در فواصل معینی به این نواحی کشانده شوند. در طرح‌های اقتصادی، گردشگری معمولاً انتقال سرمایه و درآمد کشور و یا ناحیه‌ای را که گردشگر در آنجا فعالیت معمولی خود را انجام می‌دهد، سبب می‌شود و در ساختار تولید محل و ایجاد تجهیزات سازمان‌های خدمات توریستی ناحیه‌ی پذیرا مؤثر می‌افتد و بدین ترتیب بخش مهم از درآمد شهرها و نواحی صنعتی به نواحی جاذب گردشگر انتقال می‌یابد.<sup>۱</sup>

- «رژه برونه» واضع مکتب کوروماتیک در جغرافیای انسانی<sup>۲</sup> ضمن تایید نظر انگلیسی‌ها در باب توریسم به عنوان «هنر گشت و گذار» مجموعه‌ی جابه‌جایی‌های اوقات فراغت، به ویژه دیدارهای خانوادگی، مسافرت‌های تفریحی، جابه‌جایی به سوی مکان‌های تعطیلاتی، فضاهای ورزشی، آب درمانی و زیارتی را در این ردیف آورده است و مطالعه در زمینه‌ی تجهیزات گردشگری، مهمان‌پذیرها، گروه‌ها، رفت و آمد و معاشرت‌ها، علل و

1- Pierre George : Dictionnaire de la géographie. P. U. F. paris, 1970. P421.

۲ - برای آگاهی بیشتر از مکتب نوگرایی کوروماتیک در جغرافیای انسانی، کتاب «شناخت‌شناسی و مبانی جغرافیای انسانی» را بنگرید. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی (واحد اهر) سال ۱۳۷۹ ص ۹۶-

انگیزه‌های فواصل طی شده، ایستگاه‌ها و شهرهای کم و بیش تخصصی یافته در امر گردشگری، فضاها برتر و ممتاز با محتوای اجتماعی و اقتصادی خاص (گردشگری لوکس، گردشگری مردمی)، وسایل جابه‌جایی، باز نمودها و آلودگی‌های ناشی از این حرکت را در قلمرو جغرافیای گردشگری می‌داند.<sup>۱</sup>

«رژه برونه» در جای دیگر اضافه می‌کند «زمانی که جغرافیدان از مکان‌ها و نواحی بحث می‌کند و به تبع توزیع انسان‌ها در فضاها آثار آنان را تفسیر و تشریح می‌کند. و در چنین مسیری دقت خود را به شبکه‌ها، چشمه بندی‌ها، سطح تماس‌ها، بی قرینگی‌ها و بالاخره به اشکال مختلف فضایی و حتی به بازیگران فضا و استراتژی آن‌ها معطوف می‌دارد، در واقع گامی در بستر جغرافیای گردشگری برداشته شده است.»<sup>۲</sup>

با توجه به این که در بستر جغرافیای انسانی پراکندگی انسان‌ها و بازتاب آثار فعالیت آن‌ها در پهنه‌ی فضا بررسی می‌شود، در حقیقت به ساماندهی و آمایش فضا به گونه‌ای اندیشیده می‌شود که به آرایش محیط زیست انسان‌ها نیانجامد، لذا بحث در قلمرو جغرافیای گردشگری به عنوان یکی از شاخه‌های جغرافیای انسانی نمی‌تواند فارغ از چارچوب تعاریف بالا قرار گیرد و اکثر جمع‌بندی کنیم طرح مسایل مربوط به جغرافیای گردشگری گرد سر محور حرکت خواهد کرد :

۱- توزیع : ساختار و ساماندهی فضاها، توریستی به تناسب رشد گردشگری و توزیع آن در مقیاس ملی و ناحیه‌ای و موقعیت و شرایط جغرافیایی فضاها در برابر تقاضاها. پخش و حرکت گروه‌های توریستی و وسایل مورد استفاده‌ی آنها. ارتباط و تناسب گردشگران با مجموعه‌ی فضاها، پذیرا، پدیده‌ی نشر و پراکندگی تاسیسات و تجهیزات توریستی و استراتژی مکان‌یابی آن‌ها و عامل فاصله در امر توزیع.

1- Roger Brunet : Collection dynamique du territoire. Les mots de la géographie. dictionnaire critique. Ed. Reclus. Paris 1992. P486.

2- Roger Brunet : L' espace géographique. 1989. No. 2.

۲- تولید فضاهای توریستی نو با وسعت، شکل و چشم‌اندازهای متفاوت و تخصصی کردن فضاهای توریستی به تبع شرایط محیط جغرافیایی و ایجاد تسهیلاتی در جهت دموکراتیزه کردن نقاط جاذب گردشگر.

۳- هم‌سازی و جفت و جوری فضایی «سیستم گردشگری» با «سیستم محلی» در اشکال و کیفیت‌های گوناگون و بهره‌گیری از شناخت‌های جغرافیایی، اجتماعی - اقتصادی و ... در بازسازی فضاهایی که امکانات و استعدادها بالقوه‌ای برای توسعه گردشگری دارند. با وجود تنوع تعاریف و برداشت‌های متفاوتی که در قلمرو مطالعات گردشگری و جهانگردی وجود دارد، آن را که همه‌ی دانش‌ها با کم و بیش اختلاف در آن اتفاق نظر دارند، می‌توان در پنج مورد زیر خلاصه کرد:

- نیازها و انگیزه‌های جهانگردی؛
- رفتار جهانگرد در انتخاب نوع جهانگردی و محدودیت‌های آن؛
- سفر به مکانی دور از خانه؛
- رابطه‌ی متقابل جهانگرد و عرضه‌کنندگان کالاهای مورد نیاز وی در بازار؛
- آثار سفر و جهانگردی بر جهانگرد، میزبان، اقتصاد و محیط زیست.<sup>۱</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - آدریان بول: اقتصاد سفر و جهانگردی، ترجمه علی‌اعظم محمد بیگی؛ مؤسسه فرهنگی آینده

## فهرست منابع

### منابع خارجی

- 1- A. Mesplier, P. Bloc-Duraffour: Le tourisme dans Le monde. (Collection hirtoire et géographie économiques) 4e Édition. Bréal, 2000.
- 2- Georges Cases : Fondements pour une géographie du tourisme et des loisirs (collection géographie) Bréal 1992.
- 3- J. P. Lozato – Giotart : Géographie du tourisme. Édition Masson. 4é Edition. Paris 1993
- 4- Jean Ginier : les tourisimes étrangers en France. Éditions M. Th. Génin – paris 1969.
- 5- Larousse : Dictionnaire encyclopédique Pour Tous. Édition librairie Larousse. Paris. 1961.
- 6- Le Robert : Dictionnaire alphabétique et analogique de la langue française. Paris 1981.
- 7- Marc Boyer : Le tourisme de L'an 2000. P.U.L, 1999.
- 8- Pierre Géorge : Dictionnaire de la géographie. P.U.F, Paris 1970.
- 9- Roger Brunet, R. Ferras, H. Thery : collection dynamiques du Territoire. Les mots de la géographie. Dictionnaire critique. Ed, Reclus -- La Documentation française. Paris 1993
- 10- Roger Brunet : L'espace géographique. No. 2. 1989.

## منابع فارسی

- ۱۱- آدریان بول، اقتصاد سفر و جهانگردی، ترجمه علی اعظم محمدیگی، مؤسسه فرهنگی آینده پویان، تهران ۱۳۷۹.
- ۱۲- آمار نامه استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۷۸.
- ۱۳- ادوارد فایوس - سولا، روش آموزش کیفی در صنعت جهانگردی، ترجمه دکتر نصراله مستوفی و مرتضی احمدی، انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی (فرهنگ و مدیریت / ۱۶) تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۴- جعفری، مهندس عباس: گیتاشناسی نوین کشورها، از انتشارات مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۵- راجرداس ویل، مدیریت جهانگردی (مبانی، راهبردها و آثار) ترجمه دکتر سید محمد اعرابی و داود ایزدی، از انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی (فرهنگ و مدیریت / ۱۰)، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۶- روزنامه‌ی همشهری ۷ تیر، ۱۳۷۹.
- ۱۷- روشن ضمیر، استاد دکتر مهدی، دیار خوبان، انتشارات طلایه، تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۸- غربی کلپیر، عیسی، جاذبه‌های توریستی ارسباران (قره‌داغ) بدون تاریخ.
- ۱۹- فرید، یداله، شناخت شناسی و مبانی جغرافیای انسانی، از انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی (واحد اهر) سال ۱۳۷۹.
- ۲۰- هیلدبراینز، جغرافیای استعمار زدایی، ترجمه دکتر محمود علوی، مشهد، نشر نیکا سال ۱۳۷۲.